

**خشت اول**



## رهنمود بت شکن بزرگ برای امروز مصر

رحمت الهی بر ابراهیم زمان که سال‌ها قبل فطرت‌های بیدار مصری را با دم مسیحیایی خود به این گونه قیام فرخواند : ملت مصر باید این مطلب را بداند که اگر قیام کند برخلاف این توطئه‌ها، همان طوری که ایران قیام کرد، آنجا هم خواهد پیروز شد. ملت مصر از حکومت نظامی نترسد و به او اعتنا نکند و همان‌طور که ایران حکومت نظامی را شکست و به خیابان‌ها ریخت، آنها هم بشکندند و به خیابان‌ها بریزند و این تقاله‌های آمریکا را بیرون بریزند. ملت مصر نشینند تا این قدرت از بین رفته دوباره دست و پای خودش را جمع کند و نفوذ خودش را بر ملت تحویل کند. امروز روزی است که ملت مصر باید قیام کند. امروز روز ضعف دولت است و قدرت ملت، باید قدرت را نشان دهد و اعتنائی به این حکومت نظامی، برخلاف همه موازین نکند و بشکند این حکومت نظامی را و به خیابان‌ها بریزد و این دولتی [را] که می‌خواهد با سرنیزه با اسلام مخالفت کند و به صراحت می‌گوید که هرکس که به اسلام وفادار باشد او را سرکوب می‌کنیم، [از بین برد..] این تکلیفی است برای آمریکا کرده‌است که وابسته به حکومت نیستند. این تکلیفی است برای علما. علمای مصر بیاخیزند و برای خاطر خدا، از اسلام دفاع کنند. چه عدری است برای علمای مصر که اعلام ضدیت با اسلام را – این حکومت قبل از آمدنش به سرکار اعلام کرده است که هرچه با اسلام ربط داشته باشد ما او را سرکوب می‌کنیم– چه عدری است برای علمای اسلام در مصر که نشسته‌اند و گوش می‌کنند تا این سیاهی عظیم گشوده شد. سیاهی عظیم وقتی به شهر فتح کرد که آن روز را فتح الفتوح نامیدند، فتح مکه بدون هیچ نزاعی و در میان گرم‌ترین باغ‌ش به وطن…آخرین پیامبر در میان بهت دشمنان سابق خود، به راحتی قلب‌ها را گشود و نام و یاد خود را برای همیشه در آن ثبت کرد و دلبستان سابق خود، به راحتی عراق چه بهره‌ای برد از این کار؟ خطای صدام که به واسطه خدمتگزاری به آمریکا و خدمتگزاری به اسرائیل، که از ایران صدمه دیده بودند، به ایران حمله کرد، ارتش عراق چه بهره ای از این برد جز این که هزاران نفر از افرادش در اینجا کشته شدند؟ ارتش عراق که می‌بیند ملت عراق با این حزب فاسد، با این حزب کافر مخالف است، او هم مخالفت کند و دیگر اجازه ندهد بیش از این جوانانشان کشته بشود. ما و ارتش ما نمی‌خواهیم که جوانان مسلمین که با فشار به ایران می‌آیند برای آن که عمل کنند بر طبق افکار فاسد صدام، کشته بشوند. ما همه ملت اسلام و جوانان اسلام را دوست داریم و می‌خواهیم که به راه حق و به راه اسلام و به راه ملت‌های خود سیر کنند. ارتش عراق چرا نشسته و صدام دارم مملکت عراق را بانه می‌کند و ارتش عراق را بانه می‌کند و اسلام را زیر پای می‌گذارد؟ ارتش عراق، ملت عراق، بپا خیزید و این تقاله‌ها را بیرون بریزید! همه ملت‌های اسلام باید قیام کنند و راه حق را به پیش بگیرند. همه دولت‌ها باید برگردند و خاضع بشوند در مقابل ملت. البته از صدام گذشته است؛ مثل این که از سادات هم گذشته بود…

■ صحیفه امام(ره) ج ۱۵، ص ۲۸۵

## پیشنهاد چی؟

**فرهاد کاوه-** با عرض پوزش از همه خوانندگان عزیزمان، این هفته هم یک پیشنهاد تهرانی داریم اگرچه به نوعی همراه این پیشنهاد خط و نشانی برای مسئولان کشور می‌کنیم که باید شعار «تئاتر برای همه» حداقل به مرز «تئاتر برای همه شهرها» نزدیک شود وگرنه بچه‌ها هم می‌دانند که تئاتر به دردهم مردم نمی‌خورد! این روزها تالار وحدت پایتخت میزبان موسیقی – نمایشی است به نام «سنگ و سیب» و نور و محضرذا محمدی. این نمایش ویژه که بیشتر نمایش رنگ و نور و موسیقی و آواز است؛ روایتگر غریب خاندان اهل بیت(ع) پس از واقعه عاشورا و گذری بر مصائب حضرت رقیه سلام الله علیهاست. تا فرصت هست و حال و هوای ارجمین و رحلت رسول اعظم(ص) در آفرینش روزهای دهه فجر بر کشور نمایانند خاندان دین این نمایش را از فراموشی ندهید، اگرچه این کار بی عیب و نقص نیست اما برای آن دسته عزیزانی که دائم به فکر موش دونالد به حوزه تئاتر است، به شدت توصیه می‌شود که نمایش فقط آنها نیست که برخی در بوق و کرنا می‌کنند، این هم نمایش است و هم هنر استفاده از تخصص هنری در خدمت تاریخ اسلام؛ هم ایرانی است و هم اسلامی. بد نیست برخی مسئولان با خانواده شان سری به تالار وحدت بزنند؛ بر تکت انقلاب تنها برگزارچی جشن در دهه فجر نیست، اجرای چنین نمایش‌هایی که در طول سال کم هم نیست، از بر تکت حیات انقلاب عزیزمان است. «سنگ و سیب» روایتی بی ادعا از توانمندی هنرمندان در استفاده از ابزار بی بدیل هنر برای نمایش درس‌های بزرگ تاریخ اسلام است.

## گردش گودری



امیدواریم ارسال دهنه فبر!

تومر، مبارک، نباشه...

عاشقی
تغلی استمراری است...

تونس، تونس

یعنی می‌شه مصر و اردن و یمن هم بتون!

کاش نامت باران بود
آن وقت تمام مردم شهر هم
برای آمدنت دعا می‌کردند!

حال مون شده فونه ی کلنگی،
یه جاشو دست می‌زیم در دست بشه،
یه جا دیکه ش می‌ریزه پایین...

**برای بهتر شدن صفحه و ارائه سوزو و طرح**
**با ما تماس بگیرید:**
۳۳۹۹۱۹۹۱
**برای ارتقای کیفیت، به نسخه پی دی اف**
**در سایت کیهان و نسخه نسل سوم مراجعه کنید:**
**WWW.KAYHANNEWS.IR**



**نسل سوم**

mirzaghalamdan@gmail.com



**به بهانه تقارن ۱۲ بهمن باشکوه ایران با رحلت دردانه آفرینش**

# آخرین پیامبر...

**ن تلاش بیهوده‌است و سرمایه گذاری بی بازگشت؛ از ابتدای خلقت تا لرزه‌های قیامت، بیماری جهل، درمان ندارد و چنان خاموش و خرامان طعمه می‌بلعد که گاه بی آنکه تا پایان عمر بدانبم، گرفتارش خواهیم بود. دست بر قضا این بیماری بی بدیل با پیشرفت و تولد فناوری‌های نوین و فوق نوین، چنان پیچیده و در هم تنیده می‌شود که روزنه‌های درمان را هم روز به روز کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌کند. برای همین هم حضرت حق، روزگاری چند که بر مردمان زمین می‌گذشت، پیامبری می‌فرستاد تا شاید؛ بر جهان انفسار گسیخته مردمان لگام بزند و اسب سرکش را رام کند. آخرین پیامبر، نه آن‌که آخرین تیر ترکش خداوند برای رسنگاری مردم باشد، نه! اما اتمام حجتی بود با همه پیداردلان عالم تا ضربان قلب تنیده بندگی را در خود زنده کنند. قرن‌ها از آخرین معجزه الهی در صف پیامبران گذشت تا ابراهیمی دیگر، آتش زندگی مردمانی از مشرق زمین را به گلستانی برای آزادیگی تبدیل کند و بت‌های خرد و کلان روزمرگی‌های جهلی عمیق را در هم بشکند و دمل چرکین طاغوت را ضربه‌ای ابدی بزند. . . . طاق کسری ترک خورد و بلوک ابر قدرت شرق فرو ریخت؛ شق القمری در معادلات ثابت جهانی داد که ریاضیات قدرت در کرسی دانشگاه‌های علوم سیاسی برای همیشه بازنویسی شد. . . معجزه‌ای ام‌نولد شد که قرن‌ها بدون تحریف سینه به سینه و نسل به نسل از اوراق خوین و رنجور تاریخ گذشت و خود مولود دیگری را به عصر ابره‌ه‌های الکترونیک اهدا کرد. . . نسل ما عزادار یک حسرت بزرگ تاریخی است؛ غیبت در زمان ظهور آخرین پیام آور عصر نوین. . . حالا باید مثل خیلی چیزهای دیگر، تنها به خواننده‌ها و شنیده‌ها و گفته‌ها اکتفا کند، آن هم در زمانه‌ای که نهر و نای غریب در غباری سنگین پیش چشم نسل سوم صف آرایی کرده‌است که هر سو، می‌بندارد خود راوی حلیت آخرین پیامبر است و در امتداد او و افکارش. . . و «حقیقت» دست بافتی است برای اهلش اگرچه باران و مردبان روح الله هرگز تاریخ انقضاء نخواهند داشت. . .**

■ تجزیه‌ی نسل سوم

کشورهای شرق و غرب عالم بود، خروج را به تماشا بنشینتی...و... یعنی که آینده‌ای تلخ در کام انقلاب خواهد نشست و چه همراهانی که انقلاب را بعد از تو، همراهی نمی‌کنند...آخرین پیامبر، روزها و شب‌های بسیاری را که در روزهای نبودن او، دچار فرقه‌ه و ظاهر سازی این کشورها شده‌ای پس شوند، سس کرد...چه یاران نزدیکی که سر از آخرین پیامبر انقلاب را ترک بوهستی و مفتوح و مطهری و... و با حکومتی بر قول و فعل جاشمی می‌کنند...آخرین پیامبر رایپر کرد این غم امت و سرگردانی برخی یاران پس از رحلت او...انقلاب روزهای سخت جنگ را می‌گذرانند، سال‌ها شب و روز ملتی که به تا زگی طعم انقلاب را از خود به چشیده بودند، در میان هجوم همه

انقلاب و مردم بود...

### سوم

شهر در ماتمی بزرگ فرو رفته بود و آخرین پیامبر بعد از آن درس بزرگ حق الناس برای مردم، دنیا روزهای پس از انقلاب؛ غم را با همه زرق و برقش ترک کرد و به دیدار محبوب رفت...در را که باز کرد، مردی را دید، که اجازه ورود می‌خواهد. گفت: پیامبر حال خوبی ندارد و کسی را نمی‌پذیرند. کارتان را بگویید... قانع نشد. پیش حضرت بازگشت، قبل از اینکه چیزی بگوید، پیامبر فرمود: بگذار بگریه و مپدی هاشمی و است. دنیا و تاریکی‌هایش را که رها کرد و رفته، نه دنیاری داشت و نه درهمی. نه شنیده‌ای نه شنری. نه کوفته‌دی و نه شتری. تنها استر سفیدش که بر آن سوار

## خبر سوم

آژانس انرژی اتمی یعنی محمد البرادعی می‌رسد و اعتقاد دارد اگر اترش مصر مثل کشور تونس از وی حمایت کند می‌تواند تا حدودی به تقویت نبره‌های مردمی کمک کند.
به تمام احتمالات بالا شرکت یا عدم شرکت جمال پسر حسنی مبارک در انتخابات ریاست جمهوری را نیز باید اضافه کرد که به گفته نویسنده کتاب؛ امروز مصر را با نابولی نقاشی با لسک سورئالیستی تبدیل کرده است که همه چیز از تظاهرات و آشوب‌های خیابانی جوانان گرفته تا خشم گروه‌های پارلمانی علیه دولت را به اموری غیر واقعی تبدیل کرده است و در اصل همه چیز در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.
بنی‌عقده نویسنده حضور و نقش جوانان می‌تواند این نابولی سورئالیستی را به رتال یا همان واقعیت نزدیک کند. کم‌انگن ۷۵ درصد از جمعیت مصر را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند که بیکاری و محرومیت از تحصیلات عالی انگیزه بالایی برای حضور در خیابان‌ها برای آنها ایجاد کرده است.
بر پایه گزارش ایندیندندت در سال ۲۰۰۶ حدود ۸ میلیون مصری بر تری‌رهایی از بیکاری برای سفر به آمریکا در جستجوی شغل تاراش کردند که خود این آمار انگیزه بالای این قشر برای تغییر در حکومت را نشان می‌دهد. عثمان در کتاب خود دولت حسنی مبارک را رژیم‌ی خسته خطاب می‌کند که تنها کاری که برای جوانان کرده، به برداند انرژی جوانی آنها بوده است و از آن طرف ترویج جامعه‌ای اس‌کولر در دانشگاه‌ها، سینما، سایت‌ها و ویلاک‌ها، کانال‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها که حتی از سوی جوانان نیز استقبال نشده است و گفته می‌شود که سکولار بودن یک جامعه هر چند می‌تواند در برهه‌ای از زمان جذاب باشد و گروهی را به خود جذب کند ولی در کشوری اسلامی مانند سمنی ضعیف است که به تدریج دولت و حکومت را از پای درخواهد آورد.
باید گفت دولت مبارک، مصر جوان را ناپیده گرفته‌است و به جای باز کردن افق دید مردم این کشور از آینده اسلامی و پیشرفته‌ریگ‌های کشف خود را در چشم جوانان ریخته و رپاهای امید به سوی آینده را ناپدید کرده‌است و حالا مردم این کشور به نظر می‌رسد چشم به جای دیدن یک مثل تونس دوخته‌اند تا ببینند آنجا چه می‌شود؟ اگر طوفان انگیزه تونس بتواند حکومت‌های دیکتاتوری بر تگاهه به طور مستند تاریخ تبدیل شود؛ از زمان انقلاب جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ مورد بررسی قرار می‌دهد تا شاید احتمال تغییر رژیم مبارک را کمی حدس زده باشد. وی در این کتاب تمام تحولات مصر از موشکافی در روابط بین گروه‌های اسلام‌گرا گرفته تا اختلافات فرقه‌ای را بررسی می‌کند تا اینکه به موضوع رییس سابق

## مردنامه

سنگ همسایگان فهمیدند در نیمه شب نعره سزاوار نیست و باید خموش ناله زدند.
مردیدی ناله سر می‌داد: من خرج اهل بیت خود به زور می‌ستانم با پول آب و برق و گاز شیخ چه کنم؟
دیگری شیون می‌کرد: نامردا! دیون را جملگی پرداخت می‌نمودی و بعد جان به عزرائیل می‌سپردی!

ناگهان بانگی برآمد: حکما شیخ را کشف شهودی شده که چنین؟ مطمئن سخن می‌راند و حضرتش را سوآلی ساخت که از عالم غیب با ما بگو؟ بگو که چنین اطمینان از چه داری و از راز و رمز کفن و دفن بگو که چرا تشییع پیکر لازم نیست؟!
افاضه فرمود: کدام کشف شهودا فردا بلیطه گرفته‌است و به جای ناکیا آباد و این روزها از هر ۱۰ پلیاره یکی به زمین می‌نشیند که آن هم از باند خارج می‌شود! تشییع پیکر لازم نیست چون پس از انفجار جز خاکستر چیزی نماند. الغرض حلالمان کنید که هرچه به کارفرما گفتیم حاضریم یا آشتر به سفر رویم اما بر طیاره نشنیم افاقه نفرمود. بی‌خرد! قصد جان ما را کرده لذا به دادگاه جنایی داد برید که مقول منم و آلت قتاله طیاره!

■ المرید العزوز، بدیخت میرزا

صحه ۱۰
سه شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۸۹
۲۷ صفر ۱۴۳۲ – شماره ۱۹۸۵۴

## طعم آفتاب



**در دنیا به سان میهمان باشید...**
**بنی‌می‌کنید آنچه را در آن سکنی نمی‌کنید**
**جمع می‌کنید آنچه را که نمی‌خورید**
**و آرزو می‌کنید آنچه را که بدان نمی‌رسید**

**پیامبر اعظم علیه افضل الصلوات المصلین**

## اتاق انتظار



سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزبان و فریادرس خلق رحمت و وسیع حق، و آن وعده‌ای که دروغ نشود از عمق ناپایدی مظلومیت ما، صدایی آمدنت را وعده می‌داد. صدا را، عدل خداوندی صلابت می‌بخشید و مهر ربانی گرما می‌داد. ما هرچه استقامت، از این صدا گرفتیم و هرچه تحمل از این نوا دریافتیم.در زیر سه‌مگن ترین پنجه‌های شکنجه تاب می‌آوردیم که شکنج زلف تو را می‌دیدیم. در کشاکش تازینا‌ها و چکاچک شمشیرها، برق نگاه تو تایمان می‌داد و صدای گامهای آمدنت توانمان می‌بخشید.راحمات که مزده حضور تو را بر دوش می‌کنید مرهمی بر زخم‌های تو به نو مان بود و جبرهای جان‌های شکسته مان. دردها همه از آن روتاب آوردنی بود که آمدنی بودی. تحمل شدائد از آن رو شدنی بود که ظهورت شدنی بود و به تحقیق پیوستنی. انگار تمبر صبر بودیم که در خاک انتظار تاب می‌آوردیم تا در هرم حورشید تو به بال و پر بنشینیم. سنگینی بار انتظار بر پشت ما، یک سال و دو سال نیست سنگینی یک قرن و دو قرن نیست. حتی از زمان تویدع یازدهمین خورشید نیست تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلم که در عاشورا بر ما رفته است بر می‌گردد، به آن تیرها که از کمان قساوت برخاست و بر گلوئی مظلومیت نشست، به آن سم اسبهای کفر که ابدان مطهر توحید را مشبک کرد. به آن جنایتی که دست پای مردانگی را برید.از آن زمان تا کنون ما به آب حیات انتظار زنده ایم، انتظار ظهور منتقم خون حسین.تاریخ استقامت ما از آن هم دورتر می‌رود، از عاشورا می‌گذرد و به بعثت پیامبر اکرم می‌رسد. هم او در مقابل همه جهل و ظلم و کفر و شرک و عناد و فسادی که جهان آن زمانه را پوشانده بود، وعده می‌فرمود که کسی خواهد آمد. نامش نام من، کنیه اش کنیه من، لقبش لقب من، دوازدهمین وصی من خواهد بود و جهان را از توحید و عدل و عشق و داد بر خواهد فرمود.اما تاریخ صبر و انتظار ما به دورترها بر می‌گردد، به مظلومیت و تنهایی عیسی، به غریب موسی، به استقامت نوح و از همه اینها گد می‌کند تا به مظلومیت هابیل می‌رسد. انتظار و بردباری ما را وسعتی است از هابیل تا کنون و تا برخاستن فریاد جبرئیل در زمین و آسمان و آوردن مزده طهور امام زمان.آری و در آن زمان هستی حیات خواهد یافت، عشق پر و بال خواهد گشود و در گهگاهی خشکیده علم، خون تازه خواهد دید. پشت هیولای ظلم و جهل با خاک، انس جوادان خواهد گرفت، شیطان خلع سلاح خواهد شد، انسان بر مرکب رشد خواهد نشست و عروج را زمزمه خواهد کرد.

■ سید مهدی شجاعی

## از آب گذشته!



– ببینید من می‌رم سر اصل مطلب؛ ما باید خواسومن باشه امروز جنگ خیلی ایجاد پیچیده ای پیدا کرده و من دائم سر کلاس هام به دانشجویام می‌گم که بی جهت تحلیل ارائه ندید، بذارید من بگم بعد شما جزوه برداری کنین. اینجا هم ایثون باید بدونن که اساس حرفشون در لانه دشمن مفکوک باعث داگر می‌شده و این یعنی آغاز یک توطئه جدید. من در سرپال ۴۹ هم این نکات را یادآور شدم ولی هیچکي نه گوش داده نه می‌بینه؛ نمی‌دونم دست استکار چطورى رسیده به این سدی‌ها و حرف‌های منو گذاشته تو فیلیم‌ها! به هر حال باید خیلی مراقب بود، من ۱۲-۱۱ ساله دارم می‌گم باید مراقب بود...
– ممنون. آقای دکتر شما در جواب ایثون...

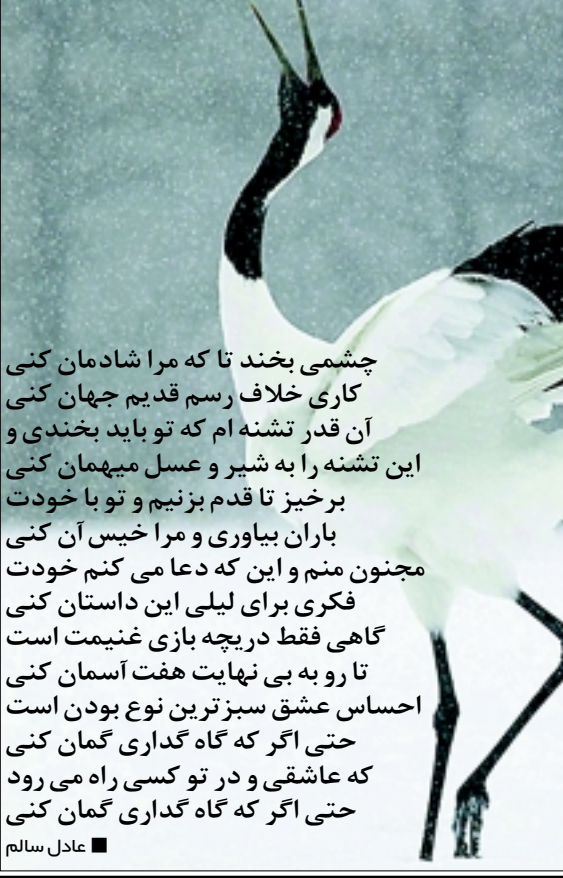
– بله من واقعیتش باید بگم...
– خیلی ممنون از اظهار نظر صریح تون، واقعا رسانه ملی جایی برای همه آراء و نظرات هست و اصلا بحث یک جناح و یک سلیقه نیست واقعا...بله... دوستان اشاره می‌کنند که وقت برنامه امشب ما به پایان رسیده! تشکر می‌کنم از میهمان محترم برنامه که با صحبت‌های میهمانشون به رونق فرهنگی مملکت کمک می‌کنند، تا دیداری دیگه همه شما بینندگان عزیز من و محترم رو به خدای بزرگ و منان می‌سیارم...
به‌ما پیامک بزنید، پیشنهاد بدید، انتقاد کنید، و تو با نظرات سازنده خودتون بهره مند کنید...

خدا نگهدار

بعد از پایان برنامه به ششصد دقیقه پیام بازگانی پخش می‌شود، و بعد از آن سری شانزدهم سریال جومونگ...

■ احمد ظهاری با همراهی میرزا قلمدون کیهانی

## بوی بارون



**چشمی بخندت تا که مرا شادمان کنی**
**کاری خلاف رسم قدیم جهان کنی**
**آن قدر تشنه‌ام که تو باید بخندی و این تشنه را به شیر و عسل میهمان کنی**
**بر خیزت تا قدم بزیم و تو با خودت**
**باران بیابوری و مرا خیس آن کنی**
**مجنون منم و این که دعا می‌کنم خودت**
**فکری برای لیلی این داستان کنی**
**گاهی فقط در پیچه بازی دستانت است**
**تا رو به بی نهایت هفت آسمان کنی**
**احساس عشق سبز ترین نوع بودن است**
**حتی اگر که گاه گذاری گمان کنی**
**که عاشقی و در تو کسی راه می‌رود**
**حتی اگر که گاه گذاری گمان کنی**

■ عادل سالم